



Decentralization Through School-Based Curriculum in Iran's Educational System

Shahram Ranjdoust ^{1*}, Nasrin Pakdoust ²

1 Associate Professor Department of curriculum planinng, Marand branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

2 Curriculum Planning Department - Islamic Azad University, Marand Branch, Iran

* Corresponding author: Dr.Ranjdoust@gmail.com

Received: 2024-01-21

Accepted: 2024-03-25

Abstract

The Iranian education system in general and the curriculum system in general is governed by a centralized decision-making process . Decentralization is one of the important issues of education in the present era with different views in this field in the Iranian educational system. Some believe that the centralized design of the curriculum cannot It responds to needs changes and points to shortcomings, so there needs to be a curriculum in place where teachers play a more important role. School-based curriculum is based on the fact that the best place to design a curriculum is where the teacher and student interact the most. So this kind of curriculum is better than the common centralized curriculum that considers teachers to be merely course administrators and students believe that learning is more relevant to their needs, the curriculum is flexible, and emerging issues are well integrated into the curriculum. In this paper, the aim of achieving the fundamental transformation document indicators in achieving school-centered achievement as a key element of this document and based on Studies carried out at home and abroad, the role of school-based curriculum in decentralizing curriculum design is investigated and suggestions are presented to achieve this element.

Keywords: : Decentralization, School-Based Curriculum Design, Iranian Educational System

© 2019 Journal of New Approach to Children's Education (JNACE)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Ranjdoust, Sh. (2024). Decentralization Through School-Based Curriculum in Iran's Educational System. *JNACE*, 5(4): 132-138.





تمرکز زدایی از طریق برنامه درسی مدرسه محور در نظام آموزشی ایران

شهرام رنجدوست^{۱*}، نسرين پاكدوست^۲

^۱ دانشیار گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرند، مرند، ایران.

^۲ گروه برنامه ریزی درسی - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرند، ایران

* نویسنده مسئول: Dr.Ranjdoust@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

چکیده

نظام آموزش و پرورش ایران به طور اعم و نظام برنامه ریزی درسی به طور اخص، به شیوه ی تصمیم گیری متمرکز اداره میشود. تمرکززدایی یکی از موضوعات مهم آموزش و پرورش در عصر حاضر است که دیدگاههای متفاوتی در این زمینه در نظام آموزشی ایران وجود دارد. برخی بر این باورند که طراحی متمرکز برنامه درسی نمی تواند به تغییرات نیازها پاسخ دهد و به کمبودها اشاره می کند، بنابراین باید برنامه درسی وجود داشته باشد که معلمان نقش مهم تری را ایفا کنند. برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه بر این اساس استوار است که بهترین مکان برای طراحی برنامه درسی جایی است که معلم و دانش آموز بیشترین تعامل را داشته باشند. بنابراین این نوع برنامه درسی بهتر از برنامه های درسی متمرکز رایج است که معلمان را صرفاً مدیران دوره می دانند و دانش آموزان معتقدند که یادگیری با نیازهای آنها مرتبط تر است، برنامه درسی انعطاف پذیر است و مسائل نوظهور به خوبی در برنامه درسی ادغام می شوند. در این مقاله با هدف دستیابی به شاخص های سند تحول بنیادین در دستیابی به مدرسه محوری به عنوان عنصر کلیدی این سند و بر اساس مطالعات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور، نقش برنامه های درسی مدرسه محور در تمرکززدایی طراحی برنامه درسی بررسی شده و پیشنهادهای در راستای دستیابی به این عنصر ارائه می شود.

واژگان کلیدی: تمرکززدایی، طراحی برنامه درسی مدرسه محور، نظام آموزشی ایران

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان محفوظ است.

شبهه استناد به این مقاله: رنجدوست، ش (۱۴۰۲) تمرکز زدایی از طریق برنامه درسی مدرسه محور در نظام آموزشی ایران. فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۵(۴): ۱۳۲-۱۳۸.

مقدمه

یکی از اساسی ترین چالش ها در زمینه برنامه ریزی درسی، موضوع تمرکز و عدم تمرکز است. در سالهای اخیر گرایش به تمرکززدایی و تفویض اختیار بیشتر به مدارس در نظام آموزش و پرورش عمومی، با هدف بهبود کیفیت آموزش و پرورش افزایش یافته است. تمرکز زدایی در آموزش و پرورش یک پدیده جهانی و از مسائل آموزش و پرورش است. نظام آموزشی ایران بر

سیستم تصمیم گیری متمرکز استوار است که به توسعه برنامه درسی نیز معطوف است، بنابراین مانع از مشارکت دانش آموزان و معلمان در برنامه های درسی می شود [۱]. موضوع تمرکززدایی برنامه درسی در چند سال اخیر مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است. تمرکززدایی پاسخی منطقی به شرایط و چالش های موجود است زیرا افراد را به مشارکت در تصمیم گیری و برنامه ریزی سرنوشت خود فرا می خواند [۲]. در

چالش های امروز نظام آموزشی است و باید به انواع مختلف تمرکز زدایی توجه شود. در زمینه برنامه ریزی درسی، انتقال قدرت از سطح متخصصان موضوعی و برنامه ریزان درسی و مدیران پژوهشی متمرکز در ادارات مرکزی برنامه ریزی درسی به سطوح پایین در سطح نواحی و مدارس و بیشتر به معلمان و مدیران. مفهوم تمرکز زدایی است [۶].

برخی از دلایل مطرح شده توسط طرفداران تمرکز زدایی این است که در نتیجه تطبیق برنامه درسی با شرایط و ویژگی های مناطق، توجه به نیازهای فراگیران، اهمیت دادن به مشارکت معلمان، مدیران، والدین و دانش آموزان، در طراحی و اجرای برنامه ها، اصلاح ساختار سازمانی آموزش و پرورش باعث ارتقای کیفیت یادگیری در مدرسه، تسریع در امور اداری و شناخت امکانات و محدودیت های مختلف محلی و منطقه ای می شود.

با توجه به این موضوع، طبق نظر Hsiao-lan و Chun ، زیرا مدارس مناسب ترین مکان هایی هستند که معلمان و دانش آموزان می توانند برای طراحی برنامه درسی با یکدیگر تعامل داشته باشند یا تغییر کنند، انتقال تمام یا بخشی از مرجع برنامه ریزی درسی به مدارس در واقع یکی از عناصر مهم مدرسه است. - برنامه های یادگیری مبتنی بر به این ترتیب آنها باید نقش فعالی در تدوین برنامه درسی داشته باشند و مشارکت مؤثرتری داشته باشند [۷].

راهبرد مدرسه محور در نظام آموزشی ایران از سال ۱۳۷۶ به عنوان عامل اصلی اصلاحات آموزشی به عنوان بستری برای تحقق مشارکت فراگیر مردم در تعلیم و تربیت و به دنبال آن در آیین نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۳۷۹ مطرح شد. مدرسه محور به عنوان راهبردی برای تسهیل دسترسی به اهداف آموزشی از طریق واگذاری بخشی از اختیارات تصمیم گیری به مسئولان مدرسه تعریف می شود. همچنین آیین نامه اجرایی مدارس، اتخاذ افزایش اختیارات تصمیم گیری، استقلال نسبی، انعطاف پذیری و روش های مشارکتی را به منظور بهبود فضای مدارس در نتیجه شرایط جغرافیایی و محیطی و محدودیت منابع و امکانات و ایجاد قابلیت ها ضروری می سازد. و خلاقیت مدیران، معلمان و دانش آموزان به خوبی شکوفا و متجلی می شود تا با تفویض اختیارات لازم به مدارس زمینه مناسب تری برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت فراهم شود [۸].

عواملی که باید برای تصمیم گیری در مورد برنامه درسی مدرسه مورد استفاده قرار گیرد:

- الف. عوامل تأثیرگذار مقامات، مدیران محلی، مسئولان آموزش و پرورش، مدیران و معلمان هستند
- ب. تأثیرات غیررسمی که شامل جامعه، صاحبان مشاغل، سازمان های کمک رسان، والدین و دانش آموزان می شود

واقع یکی از دلایل دفاع از تمرکز زدایی در آموزش و پرورش بر این اساس است که تصور می شود با واگذاری حق تصمیم گیری و پاسخگویی به مدارس، کیفیت آموزش بالا می رود زیرا در این صورت معلمان و والدین سهم بیشتری خواهند داشت. در انتخاب محتوا و ارتقای کیفیت آموزش [۳].

یک راه رو به جلو در این مسیر می تواند اتخاذ برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه به عنوان یک استراتژی برای تمرکز زدایی از برنامه برنامه درسی متمرکز متمرکز باشد. این مقاله استراتژی برنامه درسی مبتنی بر مدرسه را به عنوان راهبردی برای تمرکز زدایی نظام برنامه ریزی درسی ایران مورد بحث قرار می دهد.

روش

در این مطالعه از مبانی نظری و یافته های امطالعات صورت گرفته در زمینه برنامه درسی استفاده شده است. مقالات داخلی و بین المللی و همچنین پایان نامه های با کلید واژه های «برنامه درسی مبتنی بر مدرسه»، «تمرکز زدایی» و «نظام آموزشی ایران» منتشر شده در ScienceDirect، Google Scholar، Proquest، SID و Civilica. بر اساس هدف، یافته ها و نتایج مورد بررسی قرار گرفته است.

بحث

تمرکز زدایی در نظام آموزشی و برنامه ریزی درسی

موضوع تمرکز و تمرکز زدایی یک چالش کلیدی در حوزه برنامه ریزی درسی بوده است. تمرکز زدایی و انتقال قدرت بیشتر به مدارس تحت سیستم آموزش عمومی روند رو به افزایشی در سال های اخیر داشته است، به عنوان بخشی از تلاش گسترده تر برای بهبود کیفیت آموزشی. به گفته فولان و واتسون، تمرکز زدایی در آموزش یک پدیده جهانی مسائل آموزشی است [۴]. با توجه به تأثیر قابل توجهی که بر برنامه ریزی آموزشی در ۱۵ سال گذشته داشته است، ولز و مک گین تمرکز زدایی را یکی از مرتبط ترین پدیده ها می دانند. بحث های شدیدی در مورد اینکه چه کسی باید واقعاً مسئول تصمیم گیری درباره آنچه در کلاس می گذرد باشد وجود دارد. ولز و مک گین اشاره می کنند که تمایل به تمرکز زدایی در شرایط فعلی در بسیاری از کشورها اجتناب ناپذیر است. در سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ پیشرفت تحصیلی نامطلوب دانش آموزان، جدایی روزافزون معلمان و دانش آموزان در فرآیند یاددهی-یادگیری و عدم پاسخگویی برنامه ها به نیازهای فراگیران باعث شد بیش از پیش به تمرکز زدایی در برنامه های درسی توجه شود [۵]. تمرکز متولیان آموزش و پرورش بر تمرکز زدایی بوده است که راه حلی برای

در برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه، چارچوب برنامه درسی متمرکز باید بر روی عناصر فوق الذکر قرار گیرد و کلیه فعالیت های برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه، انتخاب و انطباق، در هم آمیختن (ادغام برنامه درسی) و مواد تکمیلی برنامه درسی باید تدوین و طراحی شوند [۹].

۱- نیازسنجی و تحلیل موقعیت: در شرایط و شرایط مختلف هر مدرسه که با موقعیت های محلی یا منطقه ای و نیز نیازها و ویژگی های خود دانش آموز منطبق است، نیازسنجی و تحلیل موقعیت می تواند زمینه ای را برای تعیین عواملی فراهم کند. این وضعیت را شکل دهد. این عوامل شامل عوامل بیرونی مانند انتظارات والدین و جامعه محلی، نیازهای کارفرمایان و ارزش های جامعه، یا عوامل درونی مانند مهارت ها و نگرش های معلمان، دانش آموزان، توانایی ها، انتظارات مدرسه و منابع آموزشی است.

۲- اهداف: در اکثر مدل های رایج برنامه ریزی درسی، تعیین اهداف اولین رکن طراحی برنامه درسی است. آیزنر اهداف برنامه درسی را به سه سطح ایده آل (نهایی)، عینی و کلی تقسیم کرده است و اهداف ایده آل را گزاره های بسیار کلی می داند که ارزش های یک گروه خاص را در مورد برنامه های درسی نشان می دهد. اهداف کلی، بنیادهایی از مقاصد هستند که بین اهداف ایده آل و اهداف عملی قرار دارند، و اهداف عینی یا گزاره های آموزشی، اظهاراتی هستند که انتظار می رود دانش آموزان پس از قرار گرفتن در معرض یک برنامه درسی یا تجربه در رفتار خود نشان دهند. طراحی برنامه درسی مبتنی بر مدرسه شامل بیان اهداف و فعالیت های دانش آموز و معلم است و شامل بررسی انواع نتایج یادگیری مورد انتظار می باشد. اهداف طراحی متمرکز برنامه درسی و نتایج تحلیل موقعیت باید در نظر گرفته شود تا به طور ضمنی مزایا، ارزش ها و قضاوت ها را در مورد جهت گیری فعالیت های آموزشی در آینده بیان کند و ماهیت این نوع برنامه ها را در نظر بگیرد [۱۰].

۳- محتوا: محتوای برنامه های درسی باید به محض انتخاب هدف انتخاب و تنظیم شود. دانش آموز می تواند از طریق محتوا به اهداف برنامه درسی دست یابد. این شامل فهرستی از مفاهیم و مهارت هایی است که توسط طراحان برنامه درسی انتخاب و سازماندهی شده اند. نتایج فعالیت های آموزشی و یادگیری انجام شده توسط معلمان و دانش آموزان نیز در محتوا گنجانده شده است. با این حال، در طراحی برنامه درسی مرسوم، نیازها، علایق، تفاوت های فردی، ویژگی ها و شرایط محلی/منطقه ای یکسان در نظر گرفته می شود، اما محتوای طراحی برنامه درسی مبتنی بر مدرسه، شرایط خاص هر مدرسه، شرایط جغرافیایی و منطقه ای را در نظر می گیرد. هر مکان، و نیازها و علایق ویژه

دانش آموزان در هر مکان به تفاوت های فردی و نیازهای محلی و منطقه ای پاسخ می دهد. نکته دیگر این است که در تنظیم محتوا، علاوه بر توجه به نیازها، علایق و توانایی های دانش آموزان و میزان دشواری مطالب به صورت سلسله مراتبی) در برنامه ریزی درسی مدرسه محور، محتوا باید پردازش شود. جهت گیری و فعالیت محور برای مشارکت دادن دانش آموزان و والدین در برنامه درسی و در عین حال اهداف دانشی، نگرشی و مهارتی مورد توجه قرار می گیرد [۱۱].

۴- فرصت های یادگیری: برنامه ریز برنامه درسی باید پس از تعریف و تنظیم محتوا، اقداماتی را برای تشویق دانش آموزان به تعامل، تفکر، مشارکت و عمل انجام دهد. فرصت های یادگیری، موقعیت هایی هستند که در آن اهداف و محتوای آموزشی ایجاد شده و به اقدامات و وظایف تبدیل شده است تا دانش آموزان را قادر سازد به اهداف آموزشی خود دست یابد. آیزنر دو نوع سازمان را پیشنهاد می کند: روش های خطی و تار عنکبوتی، برای تقسیم فرصت های یادگیری به فرآیندها و محصولات، همانطور که در زمینه آموزش سازماندهی می شوند. در روش نردبانی، فرصت های یادگیری به صورت خطی و در روش تار عنکبوت غیرخطی/غیرخطی ارائه می شود. تکالیف، تکالیف گروهی، آزمایش ها، گزارش نویسی، بحث ها، فرضیه سازی، استنباط ها، نتیجه گیری ها و مطالب آماده شده ممکن است در برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه معرفی شوند. بنابراین، دانش آموزان در فرصت های یادگیری خود از طریق برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه، در صورتی که از نوع فرآیندی باشد و به روش تار عنکبوت سازماندهی شده باشد، عمیق تر می شوند.

۵- روش های یاددهی-یادگیری: منظور از روش یاددهی-یادگیری روش های مختلفی است که معلمان و دانش آموزان در سیر تدریس و یادگیری از آنها استفاده می کنند. این حوزه از کار معلم در برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه بسیار ظریف است. [۱۲]. معلم ممکن است از ابزارهایی مانند اختصاص محتوا به دانش آموزان، فعالیت ها و تکالیف مناسب، گروه بندی دانش آموزان، استفاده از مواد و منابع آموزشی متناسب با علایق و نیازهای دانش آموزان و تنظیم ساختار و سرعت استفاده کند. یادگیری برای رفع نیازهای دانش آموزان، به منظور مشارکت دادن دانش آموزان در فرآیند یادگیری. از آنجایی که سطح اطلاعات، سبک و قدرت یادگیری، فرهنگ و مهارت های ذهنی، کلامی و ارتباطی دانش آموزان یک کلاس و از کلاسی به کلاس دیگر متفاوت است، توانایی معلم در تنظیم درس و اعمال تغییرات لازم و کیفیت آموزشی. به جامعه متنوع و متعددی از دانش آموزان در برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه

برنامه درسی مدرسه محور: جلوه ای از تمرکززدایی

مدرسه محوری به عنوان رایج ترین راهبرد برای اصلاح مدرسه شناخته شده است. که از دهه ۱۹۸۰، نهضت اصلاح مدرسه را در سرتاسر دنیا پدیدآورده است. در حال حاضر نظام آموزشی ایران مبتنی بر برنامه ریزی درسی متمرکز است. دفاتر مرکزی باید کارکردهای جذب معلم، تهیه کتاب های درسی و تدوین برنامه های درسی را انجام دهد. شورای عالی آموزش و پرورش در بخش مرکزی باید مسئولیت تهیه اهداف آموزشی و اجرای قوانین و مقررات مورد نیاز مدارس را بر عهده بگیرد. امتحانات، قوانین مربوط به ورود دانش آموزان به مدرسه، رویه های انضباطی و ارزیابی مدارک حرفه ای در خارج از کشور. در چنین سیستم متمرکزی، مدارس تقریباً هیچ قدرتی در تصمیم گیری در مورد مسائل آموزشی پایه ندارند، مسئولیت اصلی مؤسسات آموزشی در حصول اطمینان از اجرای صحیح برنامه های درسی و آیین نامه های اجرایی مصوب مرکز است. گذار از سیستم متمرکز توسعه و تولید برنامه درسی به تمرکززدایی در ایران از یک سو به دلیل نیاز به دور شدن از همان برنامه های درسی و سیستم های یادگیری کاملاً متمرکز از سوی دیگر اجتناب ناپذیر است. استفاده از طراحی برنامه درسی مبتنی بر مدرسه می تواند زمینه ای برای تمرکززدایی سیستم های برنامه ریزی درسی با توجه به توسعه خودمختاری در نظام آموزش و پرورش ایران فراهم کند [۶].

منطق این ادعا این است که در برنامه ریزی درسی مدرسه محور، فرصتی ایجاد می شود تا به مدارس اختیارات تصمیم گیری در زمینه تدوین برنامه درسی داده شود و شرایط مشارکت و استفاده از توانمندی های مسئولان محلی، مدیران مدارس، معلمان والدین، دانش آموزان و اعضای مدرسه در برنامه ریزی از سوی دیگر، این نوع برنامه ریزی ضمن شناسایی مشکلات و نیازهای خاص مناطق و تفاوت های فردی دانش آموزان، زمینه توجه به این تفاوت ها را فراهم کرده و بستر مناسبی برای مشارکت و مشارکت فراهم شده است. مشارکت مردم در عرصه آموزش علاوه بر این، ممکن است تصور شود که امکان تحقق برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه در یک سیستم آموزشی غیرمتمرکز وجود دارد.

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن اینکه مدرسه محور کلیدی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می باشد، مدرسه به عنوان محور نظام تعلیم و تربیت باید جایگاه واقعی خود را پیدا کند. لذا بازنگری و تحول در نظام آموزشی و طراحی برنامه درسی با در نظر گرفتن تحولات عمیق اجتماعی و جمعیتی و انعکاس آن بر پیشرفت

۶- تخصیص زمان: کمبود وقت یکی از موانع اصلی این نوع برنامه ها بوده است زیرا ماهیت آن نوع برنامه درسی نیز مشخص می شود. با توجه به تحقیقات انجام شده در زمینه برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه، کمبود وقت را می توان به این دلیل نسبت داد که معلم در برنامه های درسی سنتی نقش اساسی دارد و بیشتر وقت اختصاص داده شده را صرف تدریس می کند. در حالی که در برنامه ریزی درسی مدرسه محور معلم علاوه بر نقش اجرای برنامه درسی، نقش برنامه ریز را نیز بر عهده دارد و در طراحی برنامه درسی مشارکت می کند. بنابراین معلم برای ارائه محتوا و ایجاد فرصت های یادگیری یا ایجاد زمینه و زمان یادگیری بر اساس روش دریافت، پردازش و جمع آوری دانش آموزان به زمان بیشتری نیاز دارد [۱۰].

۷- ارزشیابی: برنامه درسی با عوامل آشکار و پنهان مختلفی مرتبط است، این تعدد ارتباطات نیاز به تصمیم گیری و اقداماتی دارد که در تمام مراحل برنامه ریزی و اجرای برنامه درسی مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین، مشروعیت و صحت برنامه ها مستلزم ارزیابی دقیق و مستمر است [۱۱]. ارزشیابی برنامه درسی فرآیندی برای ارزیابی مناسب بودن تصمیمات در زمینه است و می تواند به دو صورت مورد بحث قرار گیرد، اول از همه، در چارچوب خود فرآیند تهیه برنامه درسی، که شامل نیاز به انجام است. ارزشیابی مکرر در فرآیند تهیه برنامه درسی، برای تصحیح، تکمیل و ارائه برنامه درسی مناسب با توجه به اهداف از پیش تعیین شده. در این مرحله، به گفته آیزنر، می توان از دو نوع ارزیابی گرمخانه ای در بین چند دانش آموز در یک موقعیت کنترل شده یا ارزیابی زمینه ای در بین چندین مدرسه یا منطقه استفاده کرد. زمینه دیگر ارزیابی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یا میزان دستیابی دانش آموزان به اهداف برنامه درسی است که شامل ارزیابی برنامه درسی، محتوا و فعالیت های معلم می شود. در برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه، معلم به منظور هدایت یادگیری دانش آموزان، همزمان با تدریس و به طور مستمر اندازه گیری و ارزشیابی می کند [۱۳]. یک معلم خوب در طراحی برنامه درسی مبتنی بر مدرسه نباید به یک روش یا منبع اطلاعاتی برای اندازه گیری دقیق یادگیری دانش آموزان بسنده کند، بلکه باید از ابزارهای ارزیابی عملکرد، تکالیف کتبی، ارزیابی فردی و گروهی، نمونه کارها و استفاده از خودارزیابی/ارزیابی همتا استفاده کند. ثبت رویداد و فهرست مشاهده با توجه به نوع برنامه و روش تدریس، علاوه بر روش های رایج ارزشیابی در برنامه های درسی مرسوم.

✓ فراهم آوردن محیطی مناسب برای مشارکت مسئولین جامعه، والدین، معلمان و دانش آموزان در تصمیم گیری های برنامه درسی.

سوء تعبیرها، بدفهمی‌ها، بدفهمی‌ها و ساده انگاری تعلیم و تربیت، از جمله خطراتی است که باید از بروز آن جلوگیری نمود. واگذاری اختیار به مدارس و خواستن از آن که خودشان بسیاری از امور را انجام می دهند، کار ساده ای نیست و بیم آن می رود که با خط مشی مدرسه محوری شعارگونه عمل شود. لذا مراحل تحقق این خط مشی باید بر مبنای واقعیت هایی صورت گیرد که از تحقیقات دقیق در کشور به دست آمده باشد. هم چنین این خط مشی باید به صورت آزمایشی و تدریجی اجرا شود و پس از دریافت بازخورد، نتیجه آن در گام های بعدی اعمال گردد.

در نهایت ایجاد این باور و فرهنگ در مسئولان و کارکنان آموزش است که کارکنان آموزشی مدرسه می توانند تا حد زیادی محور امور مدرسه و برنامه ریزی های مربوط باشند. بدون زمینه سازی فرهنگی، راه حل های قبلی تحقق این خط مشی بطور شایسته قابل اجرا نخواهد بود. مسلماً توانایی اداره مدرسه و برنامه ریزی درسی به تدریج و پس از فراهم آوردن آمادگی های لازم در کارکنان آموزشی و مهیا نمودن امکانات مورد نیاز جنبه اجرایی پیدا خواهد کرد.

موازین اخلاقی

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

واژه نامه

1. Fullan, M., & Watson

۱. فولان و واتسون

چشمگیر دنیای پیشرفته و تحلیل بنیادی کاستی های نظام آموزشی و مقایسه نتایج مذکور اجتناب ناپذیر است. نتایج تحلیل و بررسی های مذکور با نیازها و ویژگی های لازم برای ادامه زندگی در دنیای مدرن، حرکت به سمت تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به عوامل اصلی نظام آموزشی یعنی معلمان، کارکنان و مدیران مدارس و تمرکز بر بهبود یادگیری و جذب دانش آموزان. مشارکت والدین و جامعه محلی این امر را آشکار کرده است. با توجه به فرهنگ و ساختار سازمانی بسیار متمرکز، بستر مناسبی برای برنامه ریزی برای برنامه درسی مدرسه با تمرکز بر این اهداف مورد نیاز است.

جهان در حال تغییر است و طراحی برنامه درسی مدارس نیز باید تغییر کند. بنابراین، برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه سازوکارهایی را برای مدارس فراهم می کند:

✓ دادن اختیارات لازم به مدارس برای اجرای شاخص های سند تحول بنیادین؛

✓ برای رفع بهتر نیازها و علایق دانش آموزان و جامعه

✓ یادگیری مدرسه بر اساس دانش و منابع محلی است تا انتظارات ملی و محلی در نظر گرفته شود

✓ ایده ها، موضوعات و فناوری های جدید در برنامه درسی را به دقت زیر نظر داشته باشید

تحقق این ایده ها مستلزم آن است که زمینه های لازم برای گسترش فرهنگ مشارکت و تحمل تمام عوامل درگیر در مدرسه شامل دانش آموزان، معلمان و اولیا فراهم شود. معلمان به جای انتقال دهندگان دانش، برنامه ریز درسی در مدارس باشند و دانش آموزان به جای مصرف کننده دانش، با مشارکت در فرآیند برنامه ریزی درسی، نقش فعالی در تولید دانش و فعالیت های یادگیری داشته باشند. بنابراین برای عملیاتی شدن برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه در نظام آموزش و پرورش، زمینه های زیر از جمله پیش نیازهایی است که تلاش فراوان دست اندرکاران و مسئولان آموزش و پرورش را می طلبد.

✓ استقرار پارادایم یا رویکرد رقابتی در ارتباط با مدیریت آموزش و پرورش

✓ رفع موانع نظارتی یا اداری و تدوین قوانینی که اختیارات تصمیم گیری آموزش و پرورش را به مدارس می دهد.

✓ طراحی برنامه های آموزشی برای ارائه آموزش های مورد نیاز به اعضای آموزشی و اداری مدارس

✓ برنامه ریزی برای آموزش پیش از خدمت و ضمن خدمت معلمان در زمینه برنامه درسی

✓ تخصیص اعتبارات و تجهیزات و تسهیلات در مدارس به منظور حمایت و حمایت از برنامه های درسی مدرسه محور.

- Curriculum Studies, 2005; 1(1): 27-42.
[Persian]
- [8] Piri A, Kiamanesh, Hoseinnejad. School-based curriculum strategic for decentralization of curriculum system. Curriculum Research, 2012; 1(1): 1-27.
- [9] Lewy A, Planning II. National and School-based Development. Unesco, International Institute for Educational Planning. <https://books.google.com/books?id=NzYIAQAAIAAJ>. 1991
- [10] Nutravong R. School-based Curriculum Decision-making: A Study of the Tailand Reform Experiment. Indiana University. <https://books.google.com/books?id=x8jSNwAACAAJ> 2002
- [11] Jon W. Wiles. Curriculum Development (practice guide) (1 ed., Vol. 1). 1997
- [12] Kennedy KJ, LEE CKJ. The changing role of schools in Asian societies: Schools for the knowledge society. 2008.
- [13] Eisner EW. The Educational Imagination: On the Design and Evaluation of School Programs. Prentice Hall. <https://books.google.com/books?id=ZXnuAAAMA AJ>. 2002.

فهرست منابع

- [1] Mehrmohammadi M. Curriculum: theories, approaches and perspectives. Tehran: samt& Behnashr press. 2009.[Persian].
- [2] Jafarabadi JK. Negotiated Curriculum Mode: A New Strategy For Decentralizing Secondary Level Curricula. Journal Of Curriculum Studies (J.C.S.), 2007; 1(4): 85-102.
- [3] Gouya Z, Ghadaksaz KL. A Novel Explanation of Centralization And Decentralization. 2007.
- [4] Fullan M, Watson N. School-based management: Reconceptualizing to improve learning outcomes. School effectiveness and school improvement, 2000; 11(4): 453-473.
- [5] McGinn NF, Welsh T. Decentralization of Education: Why, When, What, and How? Fundamentals of Educational Planning Series, 1999; 64. ERIC.
- [6] Salsabili N. A Study of The Iranian Curriculum Development System in Terms of Decentralizing Efforts With an Emphasis on School-Based Strategy. 2007.
- [7] Fathi Vajargah K. Investigating the feasibility of different decision-making models in school curricula. Journal of